

پهلوی در مونیخ رفتاری شبه فرقه‌ای شبیه رجوی داشت

سیرک پیرکودک



زهرّا طبیبی
میزبانگر گروه سیاست

شاید بهتر بود شازده پهلوی پیش از برگزاری همایش در مونیخ، پای حرف رجویست‌ها می‌نشست تا آن‌ها از راهی طی شده که ربع پهلوی تازه در آن قدم گذاشته با او سخن بگویند. البته دور از ذهن نیست که نمایش مونیخ بازی جدید پهلوی‌ها پشت دست منافقین و به دستور کارفرما باشد، به سودای آنکه به مادرخرجان اروپایی و غربی بفهمانند که بفرمایید «این هم آلترناتیو». حضور سخنران‌ها و چهره‌هایی که در بهترین حالت، همان چاکران درباری سابقند هم برای تکمیل پازل این نمایش بود تا بگویند برای رؤیای براندازی هم متخصص داریم. توقف جنگ ۱۲ روزه و دست برتر ایران در این دفاع، رؤیاهای شازده پهلوی را بر باد داد و کارش را به بیمارستان کشاند. برگزاری این همایش و پوشش دقیقه به دقیقه رسانه صهیونیستی اینترنشنال قرار بود ری‌پرندی باشد، برای رؤیای از دست رفته شازده پهلوی و مقدمه‌چینی برای فاندبگیری جدید و تعریف دقیق‌تر از آلترناتیو مورد نظر. اما دست‌بوسی چاکران شازده و کعبه شدنش برای آدم‌های اجاره‌ای و ستایش‌های نمادین از او بیشتر خبر از این می‌داد که ربع پهلوی حداقل به تشکیل فرقه پهلوی در کنار فرقه رجوی رضایت داده تا چند صباح باقی مانده زندگی‌اش را دلخوش به تحقق براندازی، با فرقه جدید روزگار بگذراند. واقعیت ماجرا نیز همین است؛ پهلویست‌ها اگرچه در ظاهر در مقابل فهم مقاومت می‌کنند؛ اما به خوبی می‌دانند که نه تنها در میان مردم ایران، بلکه حتی در میان اپوزیسیون خارج‌نشین نیز مقبولیت ندارند.

از رجویست‌ها بپرسید، آن‌ها برایتان می‌گویند

ربع پهلوی تجربه‌ای شکست خورده از راه انداختن کمپین و جمع کردن امضا در جریان ناآرامی‌های ۱۴۰۱ دارد، اما این بار به گمان حمایت رژیم صهیونیستی این کمپین را راه انداخت و رسانه صهیونیستی اینترنشنال نیز پشت به پشت او، حرکت کرد. این بار البته همایشی هم برای کمپینش راه انداخت. اگر از جمعیت ۵۰ نفره مقابل محل تجمع که دستمایه تسمخر کاربران فضای مجازی شده بگذریم، سالن محل برگزاری هم بیشتر از ۱۰۰ نفر ظرفیت نداشت. اما برگزاری این همایش‌ها، خالی‌بالی و برنامه‌ریزی برای فردای براندازی و اجرای نمایش‌های رسانه‌ای برای اثبات آنکه نظام سیاسی ایران در موضع مظلوم قرار ندارد، اتفاق غریبی نیست. از زمانی که مسعود رجوی ناپدید شد، سازمان منافقین برای سفیدشویی و جلب مشروعبیت، تنها به پوشیدن لباس‌های رنگی و لبخندهای نمایشی اکتفا نکرد. برگزاری همایش‌های سالانه با جمعیت چند هزار نفری از اعضای سازمان منافقین در تیرانا یا پاریس، با صرف هزینه‌های هنگفت و با حضور چهره‌های سیاسی و شناخته شده اروپایی و آمریکایی برگزار می‌شد. اعضای کنگره اروپا، سیاستمداران آمریکایی مثل پمپئو و جان بولتون هم پای



علی ملکی
میزبانگر گروه سیاست

در بیحوجه فاجعه انسانی غزه که ۲ میلیون انسان را در چنگال گرسنگی و قحطی تحمیلی گرفتار کرده و صدای مردم کشورهای مختلف را بلند کرده است، پهلویست‌ها نمایشی مضحک در گوشه‌ای از مونیخ آلمان تدارک دیدند. آن‌ها به قول خودشان «همایشی» برگزار کردند که نه تنها خالی از اصالت و اعتبار بود، بلکه نشان‌دهنده انزوای شدید این جریان در میان مردم ایران و حتی ایرانیان خارج از کشور است.

این «دوره‌می» که با نام «همکاری برای نجات ایران» برگزار شد، چیزی نبود جز یک کبی دست‌دوم و بی‌کیفیت از نمایش‌های نخ‌نما شده منافقین. جماعت حاضر به زحمت به تعداد مسافران یک اتوبوس می‌رسیدند. وضعیتی که نشان می‌دهد بدنه سلطنت‌طلب حتی آن اقلیتی را که پیش‌تر در تجمعات مشابه گردهم می‌آورد را هم از دست داده است. این جمعیت ۵۰ نفره، نمادی از توهم برگزارکنندگانی است که شعارهای دهن پر کن زیادی می‌دهند اما در واقعیت، توان‌گردآوری حتی یک جمع قابل توجه را نیز ندارند و حتی پرچم منتسب به رژیم را بلند می‌کنند که همین یک ماه پیش با حملات بی‌رحمانه‌اش به خاک ایران، صدها شهروند عادی را به شهادت رساند. پهلویست‌ها، پرچم قاتل مردم ایران را بالا برند و در کنار آن، هیچ اشاره‌ای به جنایات رژیم صهیونیستی در ایران و غزه نکردند تا بار دیگر نشان‌دهنده ایران برای آن‌ها موضوعیتی ندارد و همه فعالیت‌های به‌ظاهر سیاسی‌شان در راستای برگرداندن فاند‌ها و پرکردن جیبیشان است.

این واقعیت شماست

این اولین‌باری نیست که رضا پهلوی و حامیانش در دام توهमत خود گرفتار می‌شوند. تلاش‌های ناکام او برای ایجاد آشوب و بی‌ثباتی در ایران، کارنامه‌ای پر از شکست برایش رقم زده است. در جریان حملات اخیر رژیم صهیونیستی به ایران، رضا پهلوی با همکاری رسانه تروریستی اینترنشنال، اقدام به انتشار بارکدی برای جذب نیرو در داخل کشور کرد. این فراخوان به بخشی از یک پروژه هماهنگ برای ایجاد ناآرامی بود، با بی‌توجهی کامل جامعه روبه‌رو شد و در خاموشی فرو رفت. حتی اقدام هکری گروه حنظله که اطلاعات کارکنان شبکه اینترنشنال، منبع اصلی انتشار این فراخوان را از دسترس خارج کرد، نشان داد که سردمداران براندازی نه تنها از پایگاه مردمی محرومند، بلکه توانایی حفاظت از اطلاعات عوامل داخلی خود را نیز ندارند. این داستان تکراری شکست، به همین جا ختم نمی‌شود. در سال ۱۴۰۱ نیز پس از ناکامی پروژه‌های آشوب‌طلبانه با هدف بی‌ثبات‌سازی ایران، رضا پهلوی بارها فراخوان‌هایی برای تجمع و اعتصاب صادر کرد. اما این فراخوان‌ها نیز مانند مورد اخیر، با عدم اقبال عمومی مواجه



کارگزاران پهلوی موساد

البته در نوع مواجهه و رفتارهای سیاسی رجویست‌ها و پهلویست‌ها نقطه تمایزهایی هم وجود دارد. رجویست‌ها از حدی از ضریب هوشی برخوردارند و کارهای کثیف و تعاملاتشان با رژیم صهیونیستی را پشت پرده نگه می‌دارند و حداقل در ظاهر از خود چهره‌ای بزرگ کرده نشانان می‌دهند. در تعاملات شبه‌دیپلماتیک با کشورها، تلاش می‌کنند وجهه‌ای برای خود بسازند و این‌طور القا کنند که وابستگی به دشمنان ایران ندارند. کم‌البتکه در چند سال گذشته و مخصوصاً در بحران‌های اجتماعی، سازمان منافقین همکاری‌های زیادی با موساد داشته و در مورد اخیر و در جریان جنگ ۱۲ روزه هم عوامل وابسته به منافقین با حمایت رژیم در داخل خاک ایران، خرابکاری می‌کردند، اما با این حال منافقین در موضع‌گیری‌ها برای اعمال جنگ روانی روی افکار عمومی مردم ایران، حمایتی ضمنی از رژیم صهیونیستی نمی‌کردند. اما پهلویست‌ها از زمان شروع جنگ ۱۲ روزه عملاً به سخنگوی فارسی‌زبان رژیم صهیونیستی تبدیل شدند. هر زمان که بی‌بی در گفت‌وگوهای رسانه‌ای مدعی می‌شد جنگ اسرائیل با مردم ایران نیست، رضا پهلوی هم پیام تاحانه منتشر می‌کرد و این تجاوز و حملات بی‌درب صهیونیست‌ها را توبیخش تحولی تازه‌برای به‌ارمغان آوردن آزادی برای مردم ایران می‌دانست. روشن بود که مردم داخل کشور که به چشم می‌دیدند چه چیزی در حال وقوع است، به راحتی می‌توانستند تشخیص دهند که پر رنگ شدن هم‌پیمانی رژیم با شازده پهلوی که ارتباط دوستانه‌شان سابقه‌ای دیرینه دارد، برای چه چیزی است. همین حمایت بود که تیر خلاص را به پهلویست‌ها زد تا آنجا که دیگر اپوزیسیون خارج‌نشین هم برای آنکه بدنام

هم‌زمان با همبستگی جهانی با غزه، سلطنت‌طلبان نمایشی شکست‌خورده و منزوی در آلمان برگزار کردند

شوی بی‌تماشاگر مونیخ



چند ماه، تک‌تک اعضای این ائتلاف از هم جدا شدند و ناتوانی رضا پهلوی در ایجاد یک پیمان چندماهه را به نمایش گذاشتند. با پایان یافتن ناآرامی‌های داخلی ایران و عدم همراهی مردم با جریاناتی که سردمداری عمده آن با گروه‌های تجزیه‌طلب بود، اپوزیسیون بیش از گذشته سرخورده شد و در مدار رادیکال‌تر شدن قرار گرفت. این رادیکالیسم تا جایی پیش رفت که رضا پهلوی در فروردین ۱۴۰۲ به اراضی اشغالی سفر کرد و با بنیامین نتانیاهو دیدار کرد و از آن مقطع تاکنون بارها در جدال بین ایران و اسرائیل، از صهیونیست‌ها جانبداری کرده است. وی در سپتامبر ۲۰۲۴، با سخنرانی در شورای اسرائیلی-آمریکایی (بکی) از لای‌های کلیدی اسرائیل در آمریکا)، خواستار اقدام مشترک آمریکا، اسرائیل و یک پارتنر ایرانی علیه ایران شد و خود را پاتر ایرانی خواند.

سراب رژیم چنچ در بی‌پایگاهی اجتماعی

پس از حمایت رضا پهلوی از حمله رژیم صهیونیستی به خاک ایران در جنگ تحمیلی ۱۲ روزه، میزان نفرت مردم ایران از پهلوی و شخص وی به شدت افزایش یافت و واکنش‌های فراوانی را برانگیخت. با اعلام آتش‌پس و ناکامی رژیم اسرائیل در برهم زدن آرامش کشور از طریق ایجاد ناآرامی و شورش داخلی، رضا پهلوی با راه‌اندازی پلتفرمی خواستار ثبت‌نام نظامیان ایرانی در این برنامه و جدایی از نظام شد که البته باز هم با موفقیتی همراه نبود. او همچنین با سفر به انگلستان به دنبال جلب حمایت سربان این کشور برآمد و روز گذشته (یکشنبه ۵ مرداد) همایشی تحت عنوان «همکاری ملی» در مونیخ برگزار کرد. تفاوت این مراسم با آنچه در سال ۱۴۰۱ شاهد بودیم، به وضوح نشان می‌دهد که اپوزیسیون حتی همان اقلیت همراه را در میان ایرانیان خارج

نشوند، فاصله‌شان را با پهلوی‌ها حفظ کردند. در شرایطی که حتی مقامات کشورهای اروپایی که با صهیونیست‌ها ارتباطات و همکاری دارند نیز مجبور می‌شوند جنایات صهیونیست‌ها را محکوم کنند و نسبت به وضعیت غیرانسانی که در غزه حاکم است ابراز نگرانی کنند، پهلویست‌ها کشتار کودکان فلسطینی را این‌طور توجیه می‌کنند که چون آن‌ها از کودکی برای مقابله با اسرائیلی‌ها آموزش می‌بینند، پس کشتن آن‌ها مشروع است. این قبیل اظهارنظرهای عریان در توجیه جنایت صهیونیست‌ها نه تنها منجر به تنفر بیشتر مردم ایران از آن‌ها می‌شود، بلکه تصویری که از آن‌ها در میان افکار عمومی جوامع غربی به یادگار می‌گذارد هم نه یک گروه اپوزیسیون مخالف نظام سیاسی ایران که یک گروه کارگزار رژیم صهیونیستی است که حتی آب خوردن و راه رفتش را از کسانی تقلید می‌کند که برای اروپایی‌ها کارهای کثیفشان را انجام می‌دهد و حتی در تجمعاتشان، مثل تجمع ۵۰ نفره مونیخ، پرچم رژیم را کنار پرچم شاه و خورشیدشان قرار می‌دهند.

فرقه جدید این بار به نام پهلویست‌ها

قرار بود نمایش ربع پهلوی در مونیخ و سخنرانی پهلویست‌های سابق در بار پهلوی و گریه‌های افراد موسوم به دادخواه و درخواست آن‌ها برای نجات ایران توسط ربع پهلوی به اینجا برسد که هم پهلوی‌ها ایده‌ای برای فردای براندازی دارند و هم ایرانیانسی وجود دارند که از آن‌ها حمایت کنند. اما اگر نیم‌نگاهی به همایش روز گذشته ببینیم، در واقعیت خبری از مردم ایران نبود. اشخاصی که برای عرض ارادت به شش‌زده‌دشتر را می‌پوسند، فردی که مدعی می‌شود از آسیب‌دیده‌های ۱۴۰۱ است و می‌گوید که کعبه من یک شخص است و آن هم رضا پهلوی است، شباهتی به عموم مردم ایران ندارند و اگر بپذیریم که اجاره‌ای نبودند و فقط به خاطر شازده در تجمع حاضر شدند، این جنس اقداماتشان در بهترین حالت خبر از ایجاد فرقه پهلوی می‌دهد. حتی اگر فرض را بر این بگذاریم که با وجود تجمع ۵۰ نفره دیروز، حیثیتی برای پهلویست‌ها باقی بماند و به اجتماعات اینچنینی ادامه دهند، چیزی فراتر از رفتارهایی که در همایش روز شنبه رخ داد، اتفاق نخواهد افتاد. تعاریف این گونه و رفتارهای اگرچه از طرفداران ربع پهلوی که از چالپوسی هم فراتر می‌روند او را می‌پرستند، شباهت زیادی به رفتارهای فرقه‌گرایانه دارد که مشابه آن در اپوزیسیون تروریست و سازمان منافقین قابل مشاهده است. واقعیت ماجرا آن است که رؤیای شازده با برگزاری تجمع و همایش و حتی بالا بردن پرچم رژیم صهیونیستی حل نمی‌شود. در جهان کوچک شازده پهلوی برای بازگشت به ایران و سلطنت کردن، باید حتماً از حمایت قدرت‌های خارجی برخوردار بود تا آن‌ها را در برایش باز کنند. البته این جهان‌بینی کوچک از آنباناشی می‌شود که او می‌داند هیچ مقبولیتی در میان مردم ایران ندارد، بلکه درست در نقطه مقابل، ایرانیان تفری دیرینه از او دارند. حالا هر چقدر که خطاب به مردم ایران سخنرانی کند و از علاقه‌اش برای آزادی آن‌ها بگوید اما در واقعیت درست در مسیری حرکت می‌کند که ۴۷ سال پیش مردم ایران در واکنش به آن علیه شاه مغلط، دست به اعتراض زدند. ملت ایران هنوز به این بلاهت نفاذده که به قول بی‌صدر اسفغان‌اش را دوباره بخورند.

فرقه جدید این بار به نام پهلویست‌ها

فرقه جدید این بار به نام پهلویست‌ها

از کشور نیز از دست داده است. در اجتماع روز جمعه برای حمایت از همایش مونیخ، جمعیتی حدوداً ۵۰ نفره حضور یافتند؛ این در حالی است که در این گردهمایی، به جز چند چهره هنری حامی رضا پهلوی و عده‌ای چهره ناشناخته و احزاب گمنام، هیچ سخنران یا مشارکت‌کننده برجسته‌ای حضور نداشت. این اجتماع حتی از همراهی هم‌پیمانان قبلی رضا پهلوی مانند مسیح علی‌نژاد، نازنین نبیادی و حامد اسماعیلیون هم خالی بود و صرفاً یک دوره‌می یک روزه سلطنت‌طلبان بعد از شکست اسرائیل در جنگ تحمیلی ۱۲ روزه به شمار می‌رفت و البته وزن و جایگاه واقعی این گروه در بین مردم ایران را به نمایش گذاشت. تجمع مونیخ، یک شکست سنگین برای جریان پهلوی و حامیانش بود. این «دوره‌می» نه تنها توانست هیچ گونه اثری بر افکار عمومی بگذارد، بلکه به وضوح نشان‌دهنده انزوای عمیق و بی‌مخاطب بودن این جریان در میان مردم ایران و حتی ایرانیان خارج از کشور است. در حالی که مردم جهان در همبستگی با غزه به خیابان‌ها می‌آیند و صدای اعتراضشان را به گوش متغلمان جهان می‌رسانند، پهلویست‌ها در توهमत خود غرق شده‌اند و با بالا بردن پرچم رژیم صهیونیستی، تنها بر نفرت مردم ایران از خود اضافه می‌کنند. رضا پهلوی و حامیانش باید بفهمند که سراب «رژیم چنچ» در برهوت بی‌پایگاهی اجتماعی، هرگز به واقعیت نخواهد پیوست. حداقل از زمان جنگ تحمیلی دوازده روزه بر مردم ثابت شد که چه کسانی در کنار مردم و آرمان‌هایشان ایستاده‌اند و چه کسانی در خدمت دشمنان‌شان هستند.

مشاور پهلوی: هیچ اقبالی به اپوزیسیون در ایران وجود ندارد

رامین پرهام، مشاور سابق رضا پهلوی، در یک مصاحبه زنده با بی‌بی‌سی فارسی، به صراحت به شکست اپوزیسیون خارج‌نشین و شخص پهلوی در جذب حمایت مردمی در ایران اعتراف کرد. این اعتراف از زبان فردی نزدیک به حلقه درونی پهلوی پیام‌های مهمی دارد. پرهام با قاطعیت گفت: «هیچ اقبالی به اپوزیسیون خارج از کشور در داخل ایران وجود ندارد.» این گزاره نشان می‌دهد که ادعاهای این جریان مبنی بر داشتن پایگاه مردمی جدی در ایران، توهمی بیش نیست.

پرهام در ادامه، به همسویی کامل رضا پهلوی با نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی در دو سال گذشته اشاره کرد و گفت: «رضا پهلوی به‌ویژه در دوره پاکسازی قومی توسط نتانیاهو، کاملاً همسو با او فعالیت کرده است.» مشاور سابق پهلوی همچنین به فراخوان‌های توخالی و بی‌ثمر او در سال‌های گذشته اشاره کرد و ادامه داد: «رضا پهلوی بارها و بارها دست به فراخوان‌ها و دعوت به گردهمایی‌ها زد، اما هیچ‌گاه پاسخی از داخل به این فراخوان‌ها داده نشده است.» پرهام در ادامه، به سکوت معنادار پهلوی در برابر حملات رژیم صهیونیستی به ایران انتقاد کرد و افزود: «او حتی یک کلمه در باره حمله‌های اسرائیل به ایران نگفته است؛ در حالی که نتانیاهو دشمن شناخته‌شده ایران است و رضا پهلوی عملاً به آلت دست این جریان تبدیل شده است.»